

استقرار رحم و تأثیر آن بر احکام مترتب بر جنین در فقه اسلامی و

حقوق موضوعه

سعید نظری توکلی^۱

ابراهیم جوانمرد فرخانی

چکیده

پیش زمینه و هدف: فقهای مسلمان به هنگام بررسی مسائل جنین و احکام آن از موضوعی با عنوان «استقرار در رحم» یاد کرده‌اند. منظور از این عنوان در عرف فقها آن است که اگر نطفه (سلول تخم) در رحم قرار گیرد، مشمول احکام جنین می‌شود. بر این اساس، نطفه انسانی اگر در خارج از رحم و در محیط آزمایشگاهی منعقد شود، دیگر مشمول آن احکام نخواهد بود. پرسش اصلی برای نویسندگان مقاله این است که آیا شرط استقرار در رحم، شرط ناظر به فرد غالب در عصر معصوم است که امکان ایجاد نطفه انسانی در خارج از رحم وجود نداشته که در این صورت، رحم موضوعیت ندارد، مهم تشکیل نطفه انسانی است یا شرط فعلیت یافتن احکام جنین، استقرار در رحم است به گونه‌ای که جنین‌های تولید شده در خارج از رحم، هرچند جنین انسانی به حساب می‌آیند، اما فاقد جایگاه و منزلت انسانی بوده، مشمول احکام فقهی مترتب بر جنین، همچون دیه جنین، ارث جنین، وصیت برای جنین و حرمت سقط (از بین بردن) آن نمی‌شود.

مواد و روش کار: این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی انجام و اطلاعات آن با روش کتابخانه‌ای جمع آوری شده است. پس از توضیح مفاهیم و مبانی، به واکاوی متون فقهی و حقوقی پرداخته، یکی از دو دیدگاه درباره شرط بودن استقرار رحم پذیرفته شده است.

یافته‌ها: استقرار در رحم به معنای لانه‌گزینی سلول تخم در رحم شرط فعلیت یافتن احکام مترتب بر جنین نیست. هرگاه رویان انسانی از ترکیب اسپرم و تخمک مرد و زن

تشکیل شود، صرف نظر از این که در رحم یا در محیط آزمایشگاهی باشد، به واسطه آن که منشأ پیدایش انسان است، دارای حرمت انسانی بوده، از بین بردن آن جایز نیست، تمام احکام مترتب بر جنین تولید شده در رحم، بر جنین تولید شده در محیط آزمایشگاهی نیز بار می‌شود.

واژگان کلیدی

رحم، استقرار در رحم، نطفه، جنین، رویان انسانی

مقدمه

از موضوعات مهم در ژنتیک پزشکی که زمینه طرح مباحث متعدد فقهی و حقوقی زیادی را فراهم کرده، ایجاد جنین در خارج از رحم است. از آن جا که این جنین ها به روش لقاح خارج رحمی به وجود آمده و مراحل اولیه رشد و تکامل خود را در محیط آزمایشگاه طی می کنند، محققان را با این پرسش روبرو کرده است که آیا جنین انسان پیش از کاشت در رحم مادر، از حق حیات برخوردار بوده، دارای شأن اخلاقی و جایگاه انسانی است؟ یافتن پاسخ برای این سؤال با دشواری خاصی روبرو است، زیرا گرچه فقهای مسلمان در حقیقت زیست شناختی زندگی برای جنین اتفاق نظر دارند، اما در این که جنین در کدامیک از مراحل تکاملی خود، دارای مصونیت فقهی بوده و از حقوق کامل و برابر با سایر افراد برخوردار است، اختلاف نظر دارند. هرچند برای این اختلاف نظر، دلایل گوناگونی می تواند وجود داشته، اما یکی از اساسی ترین عوامل مؤثر در آن، نوع نگرش فقهای مسلمان در شرط بودن «استقرار در رحم» در بررسی احکام جنین است. اگر استقرار در رحم را شرط فعلیت یا تنجز احکام متعلق به جنین بدانیم، در این صورت، جنین هایی که به شکل خارج رحمی تولید می شوند تا مادام که در رحم قرار نگیرند، فاقد جایگاه حقوقی خواهند بود؛ در برابر، اگر چنین شرطی را معتبر ندانیم، جنین انسانی، صرف نظر از روش تولید آن، همواره شأن حقوقی خواهد داشت.

منشأ چنین پرسشی، اختلافی است که میان مفسران و به دنبال آن، میان فقها در فهم آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون وجود دارد. خداوند متعال در توضیح مراحل پیدایش انسان از مرحله ای یاد می کند که نطفه انسانی در «قرار مکین» جای گرفته، سپس به علقه، مضغه، عظام تبدیل شده و سرانجام از پوشش گوشتی برخوردار می گردد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ

عَلَقَهُ فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»، آدمی را از گِلِ خالص آفریدیم سپس او را نطفه گردانیده و در جای استوار قرار دادیم، آن‌گاه نطفه را علقه و علقه را مضغه گردانیدیم و باز مضغه را استخوان و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم و پس از آن خلقتی دیگر ایجاد نمودیم؛ آفرین بر قدرت بهترین آفریننده.

هرچند در این آیه، خداوند از مرحله آفرینش از خاک، پیش از «نطفه در قرار مکین» یاد می‌کند، اما همان‌گونه که در آیات هفتم و هشتم سوره سجده آمده است (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ)، آفرینش از خاک، اختصاص به منشأ انسانی، یعنی آدم و حوا داشته، نسل دوم انسان‌ها از مایعات جنسی تولید شده‌اند. از این رو، می‌توان بر این مطلب تأکید کرد که منظور از واژه «نطفه» در آیه ۱۲ سوره مؤمنون، همان چیزی است که خداوند در آیه دوم سوره انسان از آن با عنوان «نطفه امشاج» یاد کرده است (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا).

بر اساس چنین نگرشی، ضروری به نظر می‌رسد تا پیش از بررسی شرط استقرار در رحم، واژگان کلیدی این بحث را از نگاه معنا شناختی مورد ارزیابی قرار داده، سپس با توجه به آن، در صدد تبیین فقهی مسأله استقرار در رحم و شرط بودن آن باشیم.

الف: معناسازی

۱- نطفه

- مفهوم شناسی لغوی: نطفه، در لغت به معنای «آب صاف اندک (یا زیاد)»، «آب جاری» و «آب ریخته شده» است. در برخی از متون لغوی این واژه تنها به مایع جنسی (اسپرم) مرد اطلاق شده (ابن منظور، ۱۴۰۵هـ ج ۹، ص ۳۳۴؛ ابن فارس بن زکریا،

۱۴۰۴ هـ ج ۵، ص ۴۴۰؛ جوهری، ۱۳۷۶ هـ ج ۴، ص ۱۴۳۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۵۵۸) و در برخی دیگر، بر مایع جنسی زن و مرد، به کار رفته است (معلوف، ۱۹۹۲ م، ص ۸۱۶).

- مفهوم شناسی اصطلاحی: امام باقر علیه السلام در تعریف نطفه و علقه و

مضغه فرمودند: «نطفه سفید و مانند فضولات بینی غلیظ است؛ در رحم به مدت ۴۰ روز می ماند، سپس به علقه تبدیل می شود. علقه مثل لخته خون بسته شده است و به مدت ۴۰ روز در رحم می ماند، سپس به مضغه تبدیل می شود. مضغه گوشت قرمزی است که در آن رگ های سبز شبکه مانند وجود دارد و به استخوان تبدیل می شود. وقتی جنین به استخوان تبدیل شد، برای او گوش و چشم آشکار می شود و اعضای دیگر مرتب می شوند که به آن عظمه گفته می شود» (کلینی، ۱۳۶۷ هـ ج ۷، ص ۳۴۲). بر این اساس، جنین پیش از دمیدن روح، پنج دوره را سپری می کند: ۱- نطفه: این دوره از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز می شود. ۲- علقه: بعد از ۴۰ روز نطفه به علقه (خون بسته) تبدیل می شود. ۳- مضغه: علقه بعد از ۴۰ روز به مضغه (تکه گوشت) تبدیل می شود. ۴- عظمه: مضغه بعد از ۴۰ روز به عظمه (استخوان) تبدیل می شود. ۵- لحمه: بعد از ۴۰ روز، گوشت بر استخوان می روید و جنین کامل می شود.

واژه نطفه از دیرباز در متون فقهی بکار رفته و فقهای مسلمان در ابواب مختلف فقهی از آن استفاده کرده اند. تا آن جا که بررسی ها نشان می دهد، این واژه در بیشتر متون فقهی به معنای مایع جنسی مرد (جبعی عاملی، ۱۴۰۴ هـ ج ۶، ص ۶۲) بکار رفته است؛ هر چند برخی از فقها آن را به معنای مطلق مایع جنسی انسان اعم از مایع جنسی زن و مایع جنسی مرد دانسته اند (مفید، بی تا، ص ۳۱۸).

۲- نطفه امشاج

- مفهوم شناسی لغوی: «امشاج» جمع مَشِج یا مشج (مَشَج و مَشِج) به معنای

مختلط و ممتزج است و نطفه را یا به اعتبار اجزای مختلفش یا به اعتبار آمیختگی مایع

جنسی مردانه و زنانه با وصف «امشاج» به کار برده‌اند (جوهری، ۱۳۷۶هـ ج ۱، ص ۳۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵هـ ج ۲، ص ۳۶۷؛ زبیدی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۰).

- مفهوم شناسی اصطلاحی: «نطفه امشاج»، اصطلاحی است قرآنی (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ) (سوره انسان، آیه ۲) که مفسران در توضیح آن احتمال‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند: مجموعه‌ای از استعدادهای و ترکیبات (مشجها) گوناگون؛ ترکیبی از مایع جنسی مردانه و زنانه (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۱۳۲)؛ آمیزه‌ای از گونه‌های متفاوت وجودی، یعنی مراتب خاک، علقه، مضغه و ... (طوسی، ۱۳۹۰هـ ج ۱، ص ۲۰۶). این واژه در منابع فقهی نیز به کار رفته است. فقهای مسلمان غالباً این واژه را به معنی ترکیب اسپرم مرد و تخمک زن (لقاح) دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۱۰هـ ج ۱۲، ص ۴۱۱؛ طوسی، ۱۳۸۷هـ ج ۲، ص ۲۸۳؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۴، ص ۱۴۶). چنین نگرشی به واژه «امشاج» بیانگر توجه فقهای مسلمان به واقعیت علمی تشکیل سلول تخم (زیگوت) از لقاح یک اسپرم از حدود ۵۰۰ میلیون سلول اسپرمی است که در یک انزال از مرد خارج و فرصت نفوذ و ترکیب با تخمک را پیدا می‌کند (رضایی اصفهانی، بی تا، ج ۴، ص ۷۳).

۳- قرار مکین

- مفهوم شنای لغوی: واژه «قرار» بر وزن فعال، از نظر ساختاری مصدر بوده، به معنای «قرارگاه» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۴۸۳). «مکین» نیز بر وزن فعلیل، از نظر ساختاری صفت و به معنای «استوار» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۴۱۳).

- مفهوم شناسی اصطلاحی: منظور از قرار- به معنای جای استقرار- رحم است (فیض کاشانی، ۱۴۱۶هـ ج ۳، ص ۳۹۶). در این که چرا از رحم با عنوان «قرار مکین» یاد شده، دو احتمال وجود دارد: رحم قدرت (تمکّن) نگهداری نطفه و جلوگیری از بین

رفتن آن را دارد (رضایی، ۱۳۸۴ش، ص ۶۴۱)؛ با توجه به جایگاه خاص رحم در بدن، رحم محفوظ ترین نقطه بدن است که از یک سو، ستون فقرات و دنده‌ها و از سوی دیگر، استخوان نیرومند لگن خاصره، از سوی سوم، پوشش‌های متعدد شکم آن را در بر گرفته و از آن حمایت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۰۷). در این میان، برخی بر این باورند که چون رحم جایگاهی استوار و قرارگاهی امن برای پرورش نطفه است، می‌توان واژه «قرار» را کنایه از «رحم» دانسته، آن را به «مستقر» معنا کرد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۲۶)

۴- جنین

- مفهوم شناسی لغوی: واژه «جنین» بر وزن «فعلیل» به معنای مفعول (صدر، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۹۴)، از ماده جن گرفته شده، منظور از آن، هر چیز پوشیده شده (مستور) است. به همین خاطر به انسان در رحم مادر، از آن جهت که از دیده پنهان است، جنین گفته می‌شود؛ «الجنین، الولد مادام فی بطن أمه لاستتاره فیه و جمعه أجنّه و أجنن، و قد جنّ الجنین فی الرحم و أجنّته الحامل» (ابن منظور، ۱۴۰۵هـ ج ۱۳، ص ۹۳). قرآن کریم با ملاحظه همین جهت می‌فرماید: «و إذ أنتم أجنّه فی بطون أمهاتکم»، هنگامی که در شکم مادرانتان پنهان بودید (سوره نجم، آیه ۳۲).

- مفهوم شناسی اصطلاحی: هرچند فقهای مسلمان در ابواب مختلف فقهی، همچون: طهارت، جهاد، تجارت، رهن، وصیت، نکاح،ظهار، لعان، عتق، تدبیر، اقرار، صید و ذباحت، ارث و دیات از جنین سخن گفته و آن را مورد بحث خود قرار داده‌اند، اما تعریف دقیق و روشنی از آن جز همان مفهوم لغوی، ارائه نکرده‌اند؛ «الجنین و هو الولد مادام فی البطن». (جبعی عاملی، ۱۴۰۴هـ ج ۸، ص ۲۱۱)

در منابع حقوقی نیز تعاریفی کم و بیش مشابه برای جنین شده است؛ همچون: «جنین همان نطفه استقرار یافته در رحم مادر است که آغاز زندگی اش همان زمان استقرار یافتنش است و پایان جنین بودنش، ورود به مرحله جدید یعنی اطلاق طفل بر آن لحظه قبل از ولادت است». (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲)

از نظر پزشکی، هرچند جنین اولیه (تخم یا زیگوت) انسان از لقاح دو سلول جنسی زن و مرد حاصل می‌شود؛ اما یاخته رشدکننده از لحظه لقاح تا پایان هفته هشتم رویان (embryo) و پس از آن جنین (fetus) نامیده می‌شود (معینی و آخوندی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹-۳۱۱).

ب: واکاوای فقهی

۱- فقه امامیه

در این که جنین‌های تولید شده در خارج از رحم شأن فقهی - حقوقی دارند یا نه، دو دیدگاه متفاوت میان فقهای امامیه وجود دارد. طرح این دو دیدگاه از آن جهت است که فقهای مسلمان با این پرسش روبرو هستند که آیا استقرار در رحم^۱ شرط برای فعلیت یافتن احکام فقهی (تکلیفی - وضعی) ناظر بر جنین است یا استقرار در رحم شرط نبوده، جنین‌هایی هم که در خارج رحم تولید می‌شوند، مشمول همین احکام هستند؟ بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی، جنین در دوره بارداری دارای احکامی است، همچون: نفقه جنین، وصیت برای جنین، ارث جنین، دیه از بین بردن جنین، اقرار به سود جنین، انقضای عده با زایمان (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۷ هـ ج ۲۸، ص ۳۸۷ و ج ۳۵، ص ۱۲۲ و ج ۳۹، ص ۷۰). روشن است که اگر استقرار در رحم را معتبر ندانیم، تمامی این احکام درباره رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی نیز بار خواهد شد. یعنی تأمین هزینه‌های این رویان‌ها (نفقه) بر عهده پدر بیولوژیک یعنی صاحب اسپرم است. به سود این رویان‌ها می‌توان وصیت یا اقرار کرد. از بین بردن این رویان‌ها

بسته به این که در چه مرحله‌ای از مراحل جنینی هستند، مستلزم پرداخت دیه است. اگر همسر صاحب تخمک بمیرد با زنده متولد شدن این رویان‌ها، عده آن زن نیز پایان می‌پذیرد. این رویان‌ها به شرط زنده ماندن تا زمان تولد، از پدر و مادر بیولوژیک خود ارث می‌برند.

۱-۱- اعتبار استقرار در رحم: جنینی که در مرحله اولیه رشد قرار داشته و به رحم مادر انتقال نیافته است، فاقد هر حکم شرعی بوده، حفظ آن واجب نبوده، از بین بردن آن نیز حرام نخواهد بود و به همین دلیل، استفاده پژوهشی و درمانی از آن اشکالی ندارد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۷ هـ ج ۴۱، ص ۳۳۷ - ۳۳۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱، ص ۱۹۹؛ طوسی، ۱۳۸۷ هـ ج ۴، ص ۲۹).

بر این اساس، از یک سو، توان بالقوه جنین برون رحمی برای انسان شدن تا زمانی که در رحم قرار نگیرد، منشأ هیچ حکم شرعی نخواهد بود، جنین‌های تولید شده در محیط‌های آزمایشگاهی، تفاوتی با بافت‌هایی که فاقد این توان هستند، ندارد. (سهرابی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵) از سوی دیگر، نمی‌توان با الغای خصوصیت استقرار در رحم، مدعی همسانی جنین‌های تولید شده در خارج از رحم با جنین‌های تولید شده در رحم شد؛ زیرا جنین استقرار یافته در رحم، به خودی خود، مراحل رشد و نمو را سپری می‌کند، اما جنین‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی بدون حمایت سایر افراد از بین خواهند رفت. (ر.ک: مومن قمی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶)

برای دست‌یابی به چنین فهمی، ناگزیر هستیم تا احادیثی که موضوع آن‌ها جنین است را بررسی کنیم. این روایات که بیشتر در تفسیر آیه کریمه «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» (سوره مؤمنون، آیه ۱۳) از معصومین به ما رسیده، به چند گروه قابل تقسیم هستند.

گروه اول: حرمت اتلاف نطفه مستقر در رحم

- روایت رفاعه بن موسی نحّاس: امام صادق در باره خوردن دارو به زنی که مدت یک ماه است عادت ماهیانه نشده و معلوم نیست که دلیل آن بارداری است یا بیماری، فرمودند: «این کار را نکن ... هرگاه اسپرم در رحم تخلیه شود، مراحل طی می کند و به علقه و مضغه تبدیل می شود و آن گاه به هر چیزی که خدا بخواهد. اما اگر در بیرون رحم تخلیه شود، چیزی از آن به وجود نمی آید. پس اگر زن یک ماه عادت ماهیانه نشود و ایامی هم که معمولاً در عادت می شده، سپری شود، به او دارو مده». (حر عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸۲، حدیث شماره ۱)

آن گونه که از این روایت به دست می آید، از بین بردن نطفه مستقر در رحم، عملی است حرام و مقایسه آن با تخلیه اسپرم در بیرون از رحم نیز نادرست است؛ چه یقین به بارداری وجود داشته باشد چه احتمال آن برود (مؤمن قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶)؛ چرا که نطفه در رحم تبدیل به انسان می شود، اما نطفه در غیر رحم، تبدیل به انسان نمی شود (مجلسی، ۱۴۱۴هـ ج ۱، ص ۳۴۵). روشن است که بنا بر فرض سؤال، اگر یقین به عدم بارداری وجود داشته باشد، مانعی از خوردن دارو نیست (حلی، ۱۴۱۳هـ ج ۲، ص ۴۰۱).

روایت اسحاق بن عمّار: امام کاظم علیه السلام درباره زنی که به واسطه ترس از بارداری، اقدام به خوردن دارو می کند تا جنینش سقط شود، می فرماید: «نباید دارو بخورد ... نخستین چیزی که آفریده می شود، نطفه است (حر عاملی، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۵، حدیث شماره ۱).

بر اساس این روایت، خوردن دارو به منظور سقط جنین مستقر در رحم، کار حرامی است (ابن بابویه، ۱۴۱۳هـ ج ۴، ص ۱۷۱)؛ به هنگام شک در بارداری نیز باید احتیاط کرد و نمی توان با اجرای براءت، مشروعیت این عمل را اثبات کرد (قائمی، ۱۳۸۶،

ص ۳۹۴). افزون بر این، امام علیه السلام، از بین بردن نطفه را از آن جهت که منشأ آفرینش انسان است، حرام می‌داند و این نیست جز برای رعایت حق انسانی که در آینده از این نطفه به وجود خواهد آمد.

نقد و بررسی: هرچند موضوع این روایت، حرمت سقط جنین مستقر در رحم است؛ اما از مضمون آن‌ها به دست نمی‌آید که جنینی که در رحم استقرار نیافته، فاقد شأن انسانی بوده، هیچ حکم تکلیفی یا وضعی بر آن بار نمی‌شود؛ زیرا هرچند مورد سؤال، ترس از بارداری است و نه بارداری قطعی، اما استدلال امام علیه السلام به این که نطفه مبدأ آفرینش انسان است و به همین جهت، مقایسه میان دور ریختن اسپرم (عزل) و از بین بردن نطفه مستقر در رحم (اتلاف جنین) درست نیست، بیانگر این واقعیت است که ملاک در حرمت اتلاف جنین، قابلیت و شأنیت انسان شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، می‌تواند تبدیل به انسان شود. نتیجه پذیرش چنین ملاکی برای حرمت سقط جنین، عدم جواز اتلاف رویان‌های انسانی تشکیل شده در خارج از رحم است، زیرا این رویان‌ها نیز بر فرض فراهم بودن شرایط، از چنین قابلیت برخوردار هستند. روشن به نظر می‌رسد که طرح موضوع تخلیه اسپرم در رحم (استقرار رحم) در این روایات، تنها ناظر به فرد غالب در عصر معصوم علیه السلام بوده، جنبه شرطیت ندارد.

گروه دوم: وجوب تأخیر اجرای حد یا قصاص تا پیش از زایمان

آن گونه که از منابع فقهی به دست می‌آید، زن باردار را تا پیش از زایمان نمی‌توان قصاص کرد یا بر او حد جاری نمود، هرچند از راه نامشروع باردار شده باشد. (ر.ک: ابن قدامه، بی تا، ج ۸، ص ۱۷۲؛ نجفی، ۱۴۰۷هـ ج ۴۱، ص ۳۳۹؛ زحیلی، ۱۴۰۴هـ ج ۶، ص ۲۵۶ - ۲۵۸) مستند چنین حکمی برخی از روایات معصومین علیهم السلام است.

- روایت عمار ساباطی: امام صادق علیه السلام درباره حکم زن بارداری که مرتکب رابطه نامشروع می‌شود، می‌فرمایند: «می‌ماند تا زایمان کند و بچه‌اش را شیر دهد، آن گاه سنگسار می‌شود» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۸۰، حدیث شماره ۴). آن گونه که ملاحظه می‌شود، علت تأخیر اجرای حد، لزوم حفظ حرمت جنینی است که در رحم زن استقرار یافته است، بدون این که مدت زمان بارداری و این که جنین در کدامیک از مراحل مختلف جنینی قرار دارد، در این حکم مؤثر باشد.

نقد و بررسی: تردیدی نیست که عدم اجرای حد یا قصاص نسبت به زن باردار، برای سلامت جنین و به خطر نیافتن آن است (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۷هـ ج ۴۲، ص ۳۲۲ - ۳۲۵)، اما نمی‌توان رویان‌های انسانی تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی را از دایره این حکم خارج کرد، زیرا از یک سو، در عصر معصوم راهی برای تولید جنین جز لقاح داخل رحمی وجود نداشته است؛ از سوی دیگر، آن گونه در روایت اسحاق بن عمار آمده است، ملاک در احکام جنین، شأنیت نطفه برای انسان شدن است که این شأنیت در شرایط عادی در فضای داخل رحمی به وجود می‌آید، هرچند می‌توان همین شأنیت را در فضای آزمایشگاهی نیز به صورت غیر طبیعی فراهم کرد.

گروه سوم: ثبوت دیه در صورت از بین بردن جنین

موضوع بسیاری از روایات، وجوب پرداخت دیه برای از بین بردن جنین انسانی است (ر.ک: حر عاملی، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۲، حدیث شماره ۱-۱۰). هرچند محور اصلی تمامی این روایات، وجوب پرداخت دیه است، اما بسته به این که جنین در چه مرحله‌ای از مراحل انسانی قرار دارد، دیه مختلفی برای از بین بردن آن در نظر گرفته شده است. این دیه به ترتیب از مرحله نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و جنین کامل پیش از روح دار شدن و پس از آن عبارت است بیست، چهل، شصت، هشتاد و صد

دینار کامل (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۵هـ ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ کلینی، ۱۳۶۷هـ ج ۷، ص ۳۴۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳هـ، ج ۴، ص ۷۶). نکته مهم در این روایات آن است که دیه تنها برای از بین بردن جنینی تعیین شده که در رحم زن استقرار یافته است و این به خوبی نشان می‌دهد که جنین‌های خارج رحمی که در محیط آزمایشگاهی تولید شده‌اند، فاقد شأنیت انسانی بوده، از بین بردن آن‌ها دیه نداشته، در نتیجه حرام نخواهد بود.

نقد و بررسی: استدلال به این روایات مبتنی بر پذیرش دو مطلب است: انحصار دیه به از بین بردن جنین‌های تشکیل شده در داخل رحم و وجود ملازمه میان وجوب دیه و حرمت عمل. صرف نظر از این که وجود ملازمه میان حکم وضعی دیه و حکم تکلیفی حرمت اسقاط جنین را بپذیریم یا نپذیریم (ر.ک: قائی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۷؛ یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰)، آن چه مهم است، اثبات انحصار پرداخت دیه به اسقاط جنین‌های داخل رحمی است. اگر بپذیریم که روایات صادر از معصوم منصرف به فرد غالب در همان عصر است، از آن جهت که در آن عصر، فرد دیگری برای آن قابل تصور نبوده است، به خوبی می‌توان از خصوصیت استقرار در رحم چشم پوشی کرد و مدعی شد که از بین بردن جنین انسانی در هر مرحله‌ای که باشد، مستلزم پرداخت دیه است، چه این جنین در شرایط عادی و در داخل رحم زن و از راه نزدیکی تشکیل شده باشد (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۹) و چه این که به صورت غیر طبیعی و بدون آمیزش، تنها به وسیله لقاح خارج رحمی، در محیط آزمایشگاهی تشکیل شده باشد (ر.ک: زوایای پیدا و پنهان شبیه‌سازی در گفتگو با اندیشوران حوزه، ۱۳۸۵، ص ۲۴). بر این اساس، از بین بردن رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی، مستلزم وجوب پرداخت دیه است؛ دیه‌ای که پرداخت کننده آن، بسته به این که چه کسی اقدام به از بین بردن آن کرده است، می‌تواند پدر، مادر یا کادر درمانی باشد.

گروه چهارم: وجوب پرداخت دیه بر مادری که اقدام به سقط جنین می کند

برخی از فقها بر این باور هستند که هرگاه مادر موجب سقط جنین خود شود، باید دیه بپردازد، بدون این که خود او سهمی از آن دیه داشته باشد (محرومیت از ارث). (ر.ک: مفید، ۱۴۱۰هـ ص ۷۶۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۱هـ ج ۳، ص ۴۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۳هـ ج ۴، ص ۱۰۴۷) مستند این فتوا، برخی از روایات معصومین علیهم السلام است.

- **روایت ابو عبیده:** امام باقر علیه السلام درباره زنی که بدون اطلاع شوهرش دارو خورده بود تا جنین خود را سقط کند، فرمود: «اگر حمل او به مرحله استخوان بندی رسیده و گوشت بر آن روییده شده باشد، بر زن واجب است دیه آن را به شوهر خود بپردازد؛ اما اگر حمل، علقه یا مضغه باشد، باید چهل دینار یا غره به پدرش بپردازد ... زن چون جنین را کشته، از دیه ارث نمی برد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳هـ، ج ۴، ص ۳۱۹، حدیث شماره ۵۶۸۸)

آن گونه که ملاحظه می شود امام علیه السلام زن را از آن جهت که قاتل است، محروم از دیه می داند. صدق عنوان قاتل بر زن حکایت از حرمت عمل، یعنی حرمت از بین بردن جنین مستقر در رحم دارد، بدون این که علقه بودن، مضغه بودن یا کامل شدن بدن جنین در این حکم تأثیری داشته باشد (ر.ک: مومن قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰).

نقد و بررسی: استدلال به این روایت مبتنی بر پذیرش یکی از دو مطلب است: تلازم میان ثبوت دیه و حرمت عمل؛ تلازم میان صدق عنوان قاتل و حرمت عمل. بدون شک، هیچ ملازمه ای میان ثبوت دیه و حرمت عمل وجود ندارد، چرا که می شود عملی حرام نباشد ولی پرداخت دیه واجب باشد، مثل قتل خطای محض (ابن فهد حلی، ۱۴۱۱هـ ج ۴، ص ۳۴۹) و جواز عزل (محقق حلی، ۱۴۰۳هـ ج ۲، ص ۴۹۶). همچنین، می شود عنوان قاتل بر کسی صادق باشد ولی عمل او حرام نباشد، مانند کسی که به قصاص، جانی را می کشد. بنابراین، نمی توان مدعی شد هر جا مجازاتی را شارع وضع

کرده، حرمت تکلیفی نیز وجود دارد؛ همچنان که نمی‌شود مدعی شد اگر عملی حرام نباشد، عقوبتی (مثل دیه یا حرومیت از ارث) هم ندارد.

اما آن چه مهم است، شرطیت استقرار در رحم در وجوب پرداخت دیه است. هرچند موضوع این روایت، از بین بردن جنین مستقر در رحم است، اما نمی‌توان از آن به دست آورد که از بین بردن جنین تشکیل شده در خارج از رحم، دیه ندارد؛ افزون بر این، با القای خصوصیت استقرار در رحم، از آن جهت که ناظر به فرد غالب در عصر معصوم است، می‌توان ادعا کرد که اسقاط جنین، صرف نظر از این که در داخل رحم تشکیل شده باشد یا در خارج از رحم، مستلزم پرداخت دیه است.

۲-۱- عدم اعتبار استقرار در رحم

طرفداران عدم اعتبار استقرار در رحم، برای اثبات ادعای خود، چنین استدلال می‌کنند: حیات یک ارگانیزم انسانی، به هر شکلی که باشد، دارای ارزش ذاتی است، هرچند این ارگانیزم به تکامل نهایی نرسیده باشد. (جواهری، ۱۳۸۵، ص ۸۶) عنوان رحم در روایات، هیچ موضوعیتی نداشته، ملاک لقاح اسپرم با تخمک است. همان گونه که پس از لقاح اسپرم و تخمک، نمی‌توان جنین را از داخل رحم بیرون آورد و از بین برد، نمی‌توان اسپرم و تخمک لقاح یافته در خارج از رحم را نیز از بین برد. (زوایای پیدا و پنهان شبیه‌سازی در گفتگو با اندیشوران حوزه، ۱۳۸۵، ص ۲۴)

بر این اساس، تخریب رویان‌های انسانی تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی، از آن جهت که سبب جلوگیری از به فعلیت رسیدن انسانی است که قابلیت انسان شدن را دارد، کاری است حرام. شاهد بر این ادعا، علتی است که امام معصوم علیه السلام در دو روایت اسحاق بن عمار و رفاعه بن موسی (حر عاملی، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۵، حدیث شماره ۱ و ج ۲، ص ۵۸۲، حدیث شماره ۱) برای حرمت از بین بردن جنین بیان کرده است. نقض مبدأ آفرینش انسان دانستن از بین بردن

جنین، عنوانی است که بر از بین بردن رویان‌های تشکیل شده در خارج از رحم نیز صدق می‌کند، چرا که این رویان‌ها در محیط آزمایشگاهی از همان قابلیت برخوردار هستند که جنین‌های تشکیل شده در داخل رحم، از آن برخوردار هستند. برای این مدعا، به این آیه قرآن کریم نیز می‌توان استناد کرد: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرًّا وَمُسْتَوْدَعًا» (انعام، ۹۸/۶)؛ اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده‌اند) و برخی به امانت گذاشته شده‌اند.

بنا به نظر برخی از مفسران، مراد از «مستقر» در این آیه انسان‌هایی است که مسیر تکاملی خود را طی کرده‌اند و مراد از «مستودع» انسان‌هایی است که هنوز به دنیا نیامده، بعداً متولد خواهند شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۷، ص ۲۹۸) بر این اساس، تقدیر آیه چنین است: «فمنکم مستقر و منکم مستودع». از این رو، اگر اسپرم پس از لقاح با تخمک، قابلیت انسان شدن را پیدا کند، محترم است، چه این قابلیت در رحم ایجاد شود یا در خارج از رحم، زیرا منظور از استقرار، جاگرفتن در رحم نیست، بلکه تولد یافتن است و جنین‌های آزمایشگاهی نیز با سپری کردن مسیر تکامل خود، می‌توانند زنده متولد شده، پا به عرصه زندگی دنیوی قرار دهند.

۲- فقه عامه

آن گونه که در بیان نهایی ششمین سمینار فقهی - پزشکی وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی آمده است، رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی، پیش از کشت در رحم، فاقد شأن و منزلت انسانی هستند. (عوضی، ۱۹۹۴م، ص ۶۴۷) هرچند چنین اظهار نظری به وضوح بر موضوعیت رحم در برخورداری جنین از حقوق شرعی تأکید دارد و یادآور دیدگاه آن دسته از فقهای شیعه است که به اعتبار استقرار در رحم باور دارند، اما طرفداران آن، نسبت به چگونگی برخورد با رویان‌های اضافی تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی اختلاف نظر دارند. برخی بر این باور هستند که

تخمک‌های بارور شده اضافی، پیش از کشت در رحم هیچ نوع حرمت و احترامی نداشته، به هر وسیله‌ای می‌توان آنها را نابود ساخت (رمضان البوطی، ۱۴۰۹هـ ص ۷۲) در برابر، گروهی از فقهای اهل سنت با استناد به این که تخمک بارور شده، در نخستین مرحله انسانیت قرار داشته که خداوند متعال به آن کرامت بخشیده است؛ از میان سه گزینه: نابود ساختن، استفاده در آزمایش‌های علمی و رها کردن آنها تا مرگ طبیعی، گزینه اخیر حرمت کمتری دارد، چرا که عدوان ایجابی بر زندگی جنین اتفاق نمی‌افتد (سعدی، ۲۰۰۲م، ص ۴۷۸) به همین جهت، در ششمین کنفرانس مجمع الفقه الاسلامی (۱۷-۲۳ شعبان ۱۴۱۰هـ / ۲۰ مارس ۱۹۹۰م) درباره تخمک‌های بارور شده اضافی، دو حکم صادر شد: «تلاش در جهت آن که تخمک‌های اضافی بارور نشوند»، «به هر صورتی که تخمک بارور شده اضافی شکل گرفت، می‌توان آنها را بدون رسیدگی پزشکی رها کرد تا حیات آن تخمک‌های اضافی به گونه‌ای طبیعی به پایان برسد».

(عوضی، ۱۹۹۴م، ص ۶۵۷)

چنین اظهار نظرهایی از سوی مراکز رسمی اهل سنت، ریشه در آرای فقهای پیشین مذاهب چهارگانه دارد. بیشتر فقهای شافعیه لزوم حفظ جنین را پس از استقرار در رحم واجب می‌دانند (نعمتی، ۱۳۸۸، ص ۵۲۲)، هرچند در کراهت یا حرمت اتلاف جنین تا پیش از چهل روزگی با یکدیگر اختلاف نظر دارند (ر.ک: رملی، ۱۹۹۳م به نقل از: طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱). جمهور فقیهان مالکی بر این باورند که پس از استقرار اسپرم در رحم زن، اتلاف آن جایز نیست (علیش، ۱۹۷۸م، ص ۳۹۹؛ زیدان عبد الکریم، ۱۹۹۴م، به نقل از: قماشی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۲)؛ «لا يجوز اخراج المنى المتكون بالرحم...». در برابر، از نظر بیشتر حنابله، از بین بردن جنین تا پیش از چهل روزگی جایز است (ر.ک: مرداوی، ۱۹۷۸م، به نقل از: قماشی، ص ۴۴۳)؛ چرا که جنین در این مرحله، تکه‌ای خون است که هرچند رشد دارد، اما اسقاط آن، چیزی جز اتلاف شیء نخواهد بود. (ابن قدامه، بی تا،

ج ۲، ص ۳۹۸) همچنین برخی از فقهای حنفی چون ابن رشد بر این باورند که جنین تا پیش از دمیده شدن روح، انسان زنده به شمار نیامده، سقط آن جایز بوده (یاسین، ۱۴۰۹هـ ص ۵۱)، قتل نفس به حساب نمی آید. (ابن عابدین، ۱۴۱۵هـ ج ۸، ص ۵۸۶)

نقد و بررسی: صرف نظر از دو دیدگاه اخیر، می توان با مقایسه «از بین بردن تخم حیوانات در حج» با «از بین بردن رویان انسانی پیش از دمیده شدن روح»، ادعا کرد که حکم حرمت در موضوع نخست به موضوع دوم نیز سرایت می کند، چرا که ملاک حرمت از بین بردن تخم حیوانات، یعنی برخورداری از منشأ و اصل حیات در مورد رویان انسانی نیز وجود دارد (تنقیح مناط). به همین خاطر، باید مدعی شد: از بین بردن نطفه مستقر در رحم از آن جهت که اصل انسان به حساب می آید، جایز نیست. (شلتوت، ۱۹۷۵م، ص ۲۹۲، مذکور، ۱۹۶۹م، ص ۳۰) بر این اساس، بر خلاف نظر ششمین سمینار فقهی - پزشکی وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی، همچنین بیانیه مجمع الفقه الاسلامی، می بایست بپذیریم از بین بردن رویانهای انسانی از آن جهت که منشأ حیات انسانی هستند، جایز نخواهد بود. چنین رویکردی در میان فقهای پیشین نیز مطرح بوده است. غزالی از فقهای شافعی معتقد است که ملاک حرمت از بین بردن جنین، دمیده شدن روح در آن نیست، بلکه استعداد نطفه برای تکامل و آمادگی برای دمیده شدن روح در آن که از زمان لقاح شروع می شود، برای حرمت از بین بردن آن کافی است. (غزالی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۵۱)

ج: واکاوی حقوقی

تنظیم بخش مهم و الزام آور روابط انسان با دیگران بر عهده علم حقوق است. یکی از اساسی ترین قواعد و اصول حقوقی، پذیرش حق حیات برای تمامی انسانها و برخورداری آنها از حقوق مدنی و اجتماعی است. از این رو، تشخیص زمان آغاز

حیات و تکوین شخصیت حقوقی انسان، دارای اهمیت ویژه‌ای در روابط اجتماعی-حقوقی است. حقوقدانان در پاسخ به این سؤال که حیات انسانی از چه زمانی آغاز شده و منشأ آثار حقوقی می‌گردد، دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند، همچون: تشکیل نطفه، استقرار نطفه در رحم، ولوج روح در جنین، زنده متولد شدن و قابلیت زنده ماندن بعد از ولادت. (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵)

۱- **انعقاد نطفه:** از نظر گروهی از حقوقدانان، پس از لقاح اسپرم و تخمک و انعقاد نطفه، موجود حاصل دارای شخصیت حقوقی بوده، از حق زندگی برخوردار است (ر.ک: امامی، ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۱۵۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۹۷). اما از آن جا که جنین دارای وجود مستقل نبوده و تا هنگام تولد، با مادر متحد است، زنده متولد شدن جنین، حکایت از اهلیت نطفه از زمان انعقاد برای بهره مندی حقوق انسانی دارد. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۴، ص ۴۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۲-۶۴)

قانون‌گذار ایران به پیروی از آموزه های فقهی (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۷ هـ ج ۳۲، ص ۷۴) در ماده ۸۷۵ ق.م. از عبارت «انعقاد نطفه» استفاده کرده، آورده است: «شرط وراثت، زنده بودن در حین موت مورث است و اگر حاملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد».

۲- **استقرار در رحم:** برخی از حقوقدانان بجای انعقاد نطفه، استقرار در رحم را شرط برخوردارگی جنین از حق حیات می‌دانند؛ زیرا نطفه حاصل از لقاح اسپرم و تخمک اگر در رحم مستقر شود، قابلیت عبور از مراحل تکاملی مختلف جنینی را دارد. (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) به همین خاطر استفاده قانون‌گذار از عبارت انعقاد نطفه در ماده ۸۷۵ ق.م. را تسامحی دانسته، منظور از آن را استقرار در رحم می‌دانند. شاهد بر این ادعا، استفاده از عبارت استقرار در رحم در ماده ۴۸۷ ق.م.ا است که در مقام تعیین دیه نطفه مستقر در رحم برآمده است.

آن گونه که ملاحظه می‌شود، اختلاف حقوقدانان در این که انعقاد نطفه شرط برخورداری از حقوق انسانی است یا استقرار در رحم، اختلاف در معتبر بودن لانه گزینه رویان در جداره رحم و عدم آن است؛ اما این که به لحاظ حقوقی، رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاه دارای حقوق انسانی هستند یا نه و از چه زمانی از این موهبت برخوردار می‌شوند، مسأله‌ای است که می‌بایست بر اساس اصول و قواعد فقهی نسبت به آن اظهار نظر کرد. چنین به نظر می‌رسد که می‌توان با نظر به برخی از اصول و قواعد عمومی همچون اصل احتیاط از یک سو و بهره‌گیری از تنقیح مناط و الغای خصوصیت از «رحم» مدعی شد اتلاف رویان‌های حاصل از لقاح در محیط آزمایشگاهی از آن جهت که سبب از بین رفتن منشأ انسانی می‌شود، ناروا و حرام است.

د: آثار استقرار و عدم استقرار در رحم بر احکام جنین

اگر استقرار در رحم را شرط فعلیت احکام جنین ندانیم، در این صورت تمام احکامی که بر جنین حاصل از لقاح داخل رحمی مترتب است، بر رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی نیز بار خواهد شد. اما اگر فعلیت احکام مترتب بر جنین را تنها به جنین‌های حاصل از لقاح داخل رحمی اختصاص دهیم، در این صورت، نمی‌توان رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی را محکوم به آن احکام دانست. برخی از این احکام عبارتند از:

۱- جلوگیری از تشکیل جنین

هرچند جلوگیری مرد از تخلیه اسپرم خود در رحم همسرش (عزل)، بدون رضایت او مکروه است (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۷هـ ج ۲۹، ص ۱۱۱-۱۱۵؛ بحرانی، ۱۴۱۰هـ ج ۲۳، ص ۸۶-۸۹؛ غزالی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۵۷-۶۰؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۲۳؛ زحیلی، ۱۴۰۴هـ ج ۷،

ص ۱۰۷ و ج ۳، ص ۵۵۵)؛ اما از یک سو، زن می‌تواند پس از تخلیه اسپرم شوهر، از لقاح یافتن آن با تخمک خود یا از استقرار سلول تخم تشکیل شده در رحمش جلوگیری کند (نجفی، ۱۴۰۷ هـ ج ۲۹، ص ۱۱۵)؛ از سوی دیگر، سایر افراد مجاز نیستند از استقرار یافتن سلول تخم در رحم زن جلوگیری کنند. (قائمی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۳) بر این اساس، صاحب تخمک مجاز خواهد بود با اخلال در فرایند تشکیل رویان، از شکل‌گیری جنین در محیط آزمایشگاهی جلوگیری کند. همچنان که اگر رویانی با رضایت مرد و زن در محیط آزمایشگاهی تشکیل شد، دیگر افراد، از جمله کادر درمانی مجاز نخواهند بود با اخلال در روند شکل‌گیری رویان، از پیدایش جنین انسانی جلوگیری کنند.

۲- عدم تأثیر چگونگی تشکیل جنین

جنین انسانی پس از تشکیل از حرمت خاصی برخوردار بوده، دارای حقوق خاصی است، صرف نظر از این که ایجاد آن ناشی از رابطه مشروع زن و مرد باشد یا نتیجه آمیزش نامشروع آن‌ها. (ر.ک: ابن قدامه، بی تا، ج ۸، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ نجفی، ۱۴۰۷ هـ ج ۴۱، ص ۳۳۷-۳۳۸) بر این اساس، همان گونه که از بین بردن جنین مشروع، حرام است؛ از بین بردن جنین‌های حاصل از رابطه نامشروع نیز حرام است. حال اگر استقرار در رحم را شرط ندانیم، این حکم در مورد رویان‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی نیز صادق خواهد بود. بنابراین، اگر در محیط آزمایشگاه، از لقاح اسپرم و تخمک، رویانی به وجود آید، چه این رویان نتیجه آمیزش اسپرم و تخمک زن و شوهر باشد یا نتیجه لقاح اسپرم و تخمک بیگانه، نمی‌توان پس از لقاح، رویان تشکیل شده را به واسطه ناشناخته بودن منشأ آن یا یقین به عدم وجود رابطه زناشویی میان صاحبان اسپرم و تخمک، از بین برد یا از روند تکاملی آن جلوگیری کرد.

۳- بطلان خرید و فروش جنین

خرید فروش جنین موجود در شکم مادر که در منابع فقهی از آن به بیع ملاقیح یاد می‌شود (روحانی، ۱۴۱۳هـ ج ۱۴، ص ۷۳؛ خوئی، ۱۴۱۱هـ ج ۱، ص ۱۰۴)، از جمله داد و ستدهای متعارف در عصر جاهلی است که اسلام با آن مخالفت کرده، آن را باطل شمرده است. (نجفی، ۱۴۰۷هـ ج ۲۲، ص ۴۴۲؛ بحرانی، ۱۴۱۰هـ ج ۱۸، ص ۴۹۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵هـ ج ۳، ص ۱۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۵۱۷؛ نووی، بی تا، ج ۹، ص ۳۲۵؛ ابن حزم، بی تا، ج ۸، ص ۳۹۶؛ سرخسی، بی تا، ج ۱۳، ص ۶۹؛ خطیب شربینی، ۱۳۷۷هـ ج ۲، ص ۳۱؛ دسوقی، بی تا، ج ۳، ص ۵۷). اگر این نوع قرارداد را که به طور متعارف نسبت به حیوانات جاری بوده است، درمورد جنین انسانی هم جاری بدانیم، می‌توان مدعی شد که هرگونه خرید و فروش رویان‌های آزمایشگاهی باطل بوده، نه پدر و مادر بیولوژیک و نه مؤسسات تحقیقاتی که اقدام به تشکیل این رویان‌ها کرده‌اند، مجاز نیستند در قالب قراردادهای مالی، آن را مورد داد و ستد قرار داده به دیگران واگذاری کنند.

نتیجه‌گیری

- ۱- استقرار در رحم اصطلاحی است فقهی و برگرفته از سخن خداوند در قرآن کریم که امروزه به دو معنا به کار می‌رود: لانه‌گزینی جنین‌های تشکیل شده در رحم و تشکیل جنین در داخل رحم در برابر تشکیل جنین در خارج از رحم.
- ۲- هرچند در فرض متعارف، جنین انسانی نتیجه لقاح داخل رحمی اسپرم و تخمک است، اما رحم موضوعیت نداشته، لقاح در خارج رحم نیز از آن جهت که منشأ حیات انسانی است، در حکم لقاح داخل رحمی است.

۳- رویان‌های حاصل از لقاح در محیط آزمایشگاهی به لحاظ شأن و مرتبه وجودی، کمتر از جنین‌های حاصل از لقاح داخل رحمی نبوده، از حرمت و کرامت انسانی برخوردار هستند.

۴- تمامی احکام مترتب بر جنین انسانی حاصل از لقاح اسپرم و تخمک در داخل رحم، بر جنین‌های تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی نیز بار می‌شود.

۵- از بین بردن رویان‌های اضافی در فرایند درمان ناباروری، عملی است حرام که انجام آن مستلزم پرداخت دیه است.

پی نوشت

۱. شایان یادآوری است، منظور از استقرار و عدم استقرار در رحم در این پژوهش، رویان‌های تولید شده در رحم و در محیط آزمایشگاهی است نه رویان‌های تولید شده در رحم، پیش از رسیدن به مرحله لانه گزینی (pre implantation)، یعنی مرحله لقاح اسپرم و تخمک تا تشکیل توده سلولی در روز هفتم در برابر مرحله لانه گزینی (implantation)، یعنی از روز هفتم تا چهاردهم بعد از لقاح که جنین به طور کامل در دیواره رحم جایگزین شده، لایه سلولی خارجی جنین، به وسیله ارگانی به نام جفت ارتباط خونی با مادر پیدا می‌کند (ر.ک: سادلر، ص ۵۲؛ معینی و آخوندی، ص ۳۰۹).

فهرست منابع

- ابن ادریس حلی، احمد. (۱۴۱۱هـ). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. (سه جلدی). ج ۳. قم: موسسه النشر الاسلامی
- ابن حزم، علی بن احمد بن سعید. (بی تا). *المحلی*. (یازده جلدی). ج ۸. بیروت: انتشارات دار الفکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳هـ). *من لا یحضره الفقیه*. (چهار جلدی). ج ۱ و ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر. (۱۴۱۵هـ). *رد المختار علی التتر المختار*. (شش جلدی). ج ۸. بیروت: انتشارات دار الفکر.
- ابن فارس بن زکریا، احمد. (۱۴۰۴هـ). *معجم مقاییس اللغة*. (شش جلدی). ج ۵. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۱هـ). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. (پنج جلدی). ج ۴. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ابن قدامه، محمد بن عبدالله. (بی تا). *المغنی علی مختصر العرقی*. (دوازده جلدی). ج ۸. بیروت: دار الکتاب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵هـ). *لسان العرب*. (پانزده جلدی). ج ۹. قم: نشر ادب حوزه.
- امامی، سید حسن. (۱۳۵۳). *حقوق مانی*. (شش جلدی). ج ۴. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۱۰هـ). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. (بیست و پنج جلدی). ج ۱۲ و ۲۳. قم: موسسه نشر اسلامی.
- جبعی عاملی، زین الدین. (۱۴۰۴هـ). *الروضه التهبیه فی شرح اللمعه التمشقیه*. تحقیق سید محمد کلانتر. (ده جلدی). ج ۶. قم: انتشارات داورى.
- _____ . (۱۴۱۳هـ). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. (پانزده جلدی). ج ۴. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. (پنج جلدی). ج ۲. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جواهری، حسن. (۱۳۸۵). *تقسیم جنینی و شبیه سازی*. مجله کاوشی نو در فقه اسلامی. شماره ۴۷. سال سیزدهم، ۸۱ تا ۱۰۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶هـ). *تاج اللغة و صحاح العربیه*. تحقیق احمد عبد الغفور عطار. (شش جلدی). ج ۴. بیروت: دار العلم.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. (بیست جلدی). ج ۲ و ۱۸ و ۱۹. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳هـ). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. (پانزده جلدی). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- خطیب شربینی، محمد. (۱۳۷۷هـ). *معنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج*. (چهار جلدی). ج ۲. بی تا. بیروت: انتشارات دار الفکر.
- خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵هـ). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*. (هفت جلدی). ج ۳. تهران: مکتبه الصدوق.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۱هـ). *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*. (دوازده جلدی). ج ۱. قم: مدرسه دار العلم.
- دسوقی، محمد عرفه. (بی تا). *حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر*. (چهار جلدی). ج ۳. احیاء الکتب العربیه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، (پانزده جلدی). ج ۱۴ و ۱۱. چاپ دوم از دوره جدید. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (بی تا). *قرآن و علم*. (چهار جلدی). ج ۴. انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی.
- رضایی، حسین. (۱۳۸۴)، *جنین شناسی و سقط جنین از دیدگاه اسلام*، مجموعه مقالات و گفتارهای سومین همایش دیدگاه های اسلام در پزشکی. معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۳۹ تا ۶۴۵.
- روحانی، سید محمد صادق. (۱۴۱۳هـ). *فقه الصادق*. (بیست و شش جلدی). ج ۱۴. قم: موسسه دار الکتب.
- رمضان البوطی، محمد سعید. (۱۴۰۹هـ). *مسأله تحدید النسل وقایه و علاجاً*. دمشق: مکتبه الفارابی.
- رملی، شمس الدین. (۱۹۹۳م). *نهایه المحتاج الی شرح المنهاج*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. (ده جلدی). ج ۲. بیروت: منشورات مکتبه الحیاه.
- زحیلی، وهبه مصطفی. (۱۴۰۴هـ). *الفقه الاسلامی وادلته*. (هشت جلدی). ج ۶ و ۷. بیروت: انتشارات دار الفکر.
- زوایای پیدا و پنهان شبیه سازی در گفتگو با اندیشوران حوزه، (۱۳۸۵). مجله کاوشی نو در فقه اسلامی. سال سیزدهم. شماره ۴۷، ۳ تا ۸۰.
- زیدان، عبد الکریم. (۱۹۹۴م). *المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه*. بیروت: موسسه الرساله.
- سادلر، توماس. (۱۳۸۴). *جنین شناسی پزشکی لانگمن*. ترجمه کوروش عظیمی و مهدی صرافی. نشر طبیب.
- سرخسی، شمس الدین. (بی تا). *المبسوط*. (سی جلدی). ج ۱۳. بیروت: دار المعرفه.
- سعدی، داود سلیمان. (۲۰۰۲م). *الاستنساخ بین العلم و الفقه*. بیروت: دار الحرف العربی.
- سهرابی، مرجان و غفور خوئینی. (۱۳۸۶). *بررسی تحلیلی دیدگاه شیعه نسبت به شبیه سازی*. فصلنامه حقوق پزشکی. سال اول. شماره سوم، ۲۱۱ تا ۲۳۱.
- ثلثوت، محمود. (۱۹۷۵م). *الفتاوی القاهره: دار الشروق*.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰). *وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی*. روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: انتشارات سمت.

- صدر، احمد و دیگران. (۱۳۸۳). *دایره المعارف تشیع*. (پنج جلدی). ج ۵. تهران: نشر شهید محبی.
- صفايي، سيدحسين و سيد مرتضى قاسم‌زاده. (۱۳۸۴). *حقوق مدنی اشخاص و مجبورین*. تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی، سيد علی. (۱۴۰۴هـ). *رياض المسائل فی البيان الاحکام بالدلایل*. (دو جلدی). ج ۱. قم: موسسه آل البيت.
- طباطبایی، سيد محمد حسين. (۱۴۱۷هـ). *الميزان فی تفسير القرآن*. (بيست و دو جلدی). ج ۲۰. بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طلعتی، محمد هادی. (۱۳۸۳). *رشد جمعیت، تنظيم خانواده و سقط جنین: آراء و مبانی فقهی-حقوقی*. قم: بوستان کتاب.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰هـ). *التبيان فی تفسير القرآن*. (ده جلدی). ج ۱۰. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ . (۱۳۶۵هـ). *تهذيب الاحکام*. (ده جلدی). ج ۱۰. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ . (۱۳۸۷هـ). *المبسوط فی فقه الامامیه*. (هشت جلدی). ج ۲ و ۴. تهران: المکتبه المرتضویه.
- علیش، محمد. (۱۹۷۸م) *فتح العلی المالك*. مصر: بی نا.
- عوضی، عبدالرحمن و دیگران. (1994م). *رؤیه اسلامیة لزراعه بعض الاعضاء البشريه (ثبت کامل للاعمال ندوه رؤیه اسلامیة لزراعه الاعضاء البشريه)*. کویت: المنظمه الاسلامیه للعلوم الطبيعه.
- غزالی، محمد. (بی تا). *احیاء علوم الدین*. (پنج جلدی). ج ۲. بيروت: دار المعرفه للطباعه و النشر.
- فیض کاشانی، مولی محسن. (۱۴۱۶هـ). *تفسیر الصافی*. (پنج جلدی). ج ۳. تهران: مکتبه الصدر.
- قائمی، محمد (۱۳۸۶). *سقط جنین از منظر فقه*. مجموعه مقالات سمینار میان رشته ای سقط جنین. تهران: انتشارات سمت و مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل - پژوهشکده ابن سینا، ۳۸۶ تا ۴۲۷.
- قاسم زاده، سيد مرتضى. (۱۳۸۷). *آغاز حیات انسان و آثار حقوقی آن*. دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۳۲۵ تا ۳۲۶.
- قماشى، سعید. (۱۳۸۶). *اسقاط عمدی جنین از دیدگاه فقه اهل سنت*. مجموعه مقالات سمینار میان رشته ای سقط جنین. تهران: انتشارات سمت و مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل - پژوهشکده ابن سینا، ۴۲۸ تا ۴۴۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *دوره مقدماتی حقوق مدنی ارث*. تهران: نشر دادگستر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷هـ). *الفروع من الکافی*. (هشت جلدی). ج ۷. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۱۴هـ). *لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه*. (هشت جلدی). ج ۱. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳هـ). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. (چهار جلدی). ج ۲. بيروت: موسسه الوفاء.
- محمدی، زینب. (۱۳۸۶). *سلول‌های بنیادی؛ رهیافت‌های اجتماعی، فقهی و حقوقی*. فصلنامه حقوق پزشکی. سال اول. شماره سوم، ۱۲۳ تا ۱۸۱.
- مدکور، محمد سلام. (۱۹۶۹م). *الجنین و الاحکام المتعلقه بها فی الفقه الاسلامی*. قاهره: دار النهضه العربیه.

- مرداوی، علی بن سلیمان. (۱۹۷۸م). *الانصاف*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معلوف، لویس. (۱۹۹۲م). *المنجد فی اللغة و الاعلام*. بیروت: دار المشرق.
- معینی، محسن و آخوندی، محمد مهدی. (۱۳۸۷). *تکوین و تکامل جنین؛ آغاز حیات*. دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران. تهران: مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران - وزارت بهداشت. درمان و آموزش پزشکی، ۳۰۹ تا ۳۱۲.
- مفید، محمد بن نعمان. (بی تا). *الاختصاص*. قم: منشورات جماعه المدرسین.
- _____ . (۱۴۱۰هـ). *المقنعه*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. (بیست و هفت جلدی). ج ۱۴. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مومن قمی، محمد. (۱۳۸۴). *شبییه سازی، کاوشی نو در فقه اسلامی*. سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۴۰ تا ۱۳۶.
- _____ (۱۳۸۵). *فقه و احکام پزشکی*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۷هـ). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. (چهل و سه جلدی). ج ۲۸ و ۲۹ و ۳۲ و ۳۵ و ۳۹ و ۴۱ و ۴۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نعمتی، احمد. (۱۳۸۸). *سقط جنین از دیدگاه شریعت و فقه مآران*. مجموعه مقالات سمینار میان رشته ای سقط جنین. تهران: انتشارات سمت و مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی تولید مثل - پژوهشکده ابن سینا، ۵۱۶ تا ۵۲۴.
- نووی، محی الدین. (بی تا). *المجموع فی شرح المذهب*. (بیست جلدی). ج ۹. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- هاشمی فسنجانی، اکبر. (۱۳۸۱). *تفسیر راهنما*. (نوزده جلدی). ج ۱۲. قم: بوستان کتاب.
- یاسین، محمد نعیم. (۱۴۰۹). *احکام اجهاض الحمل*. مجله الشریعه. سال ششم. شماره ۱۳.
- یوسفیان، محمد جواد. (۱۳۸۶). *شبییه سازی از دیدگاه اسلام*. قم: نشر برگزیده.

یادداشت شناسه مؤلف

سعید نظری توکلی: استادیار دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل)
پست الکترونیک: sntavakkoli@ut.ac.ir

ابراهیم جوانمرد فرخانی: دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۱۰